



## چند ویژگی زبانی روض الجنان

محمد مهیار

قرن های پنجم و ششم را می توان عصر طلایی ترجمه تفسیر قرآن کریم در ایران به حساب آورد، زیرا مهم ترین پژوهش های قرآنی در این دوره انجام یافته است، بعد از ترجمه تفسیر طبری که در اواسط قرن چهارم تألیف شده است، تفسیر اسفراینی یا تاج التراجم در اواسط قرن پنجم و تفسیر التفاسیر معروف به تفسیر سورآبادی نوشته ابوبکر عتیق نیشابوری در حدود سال چهارصد و هفتاد تألیف شده است، تفسیر لطایف التفاسیر معروف به تفسیر زاهد یا درواجکی در اوایل قرن ششم انجام گرفته و تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری تألیف ابوالفضل رشید الدین میبیدی در اوایل قرن ششم تألیف شده است، از تفسیرهای قابل ذکر دیگر تفسیر بصائر یمینی اثر معین الدین محمد نیشابوری است که در اوایل قرن ششم به هیأت تألیف درآمده و تفسیر نسفی تألیف ابو حفص نجم الدین عمر بن محمد نسفی متعلق به اوایل قرن ششم است و چندین ترجمه و تفسیر ناقص که هر کدام بخشی از ترجمه و تفسیر قرآن کریم را شامل می شود، مثل تفسیری بر عسری از قرآن مجید، تفسیر قرآن پاک، تفسیر قرآن مجید کمبریج، بخشی از تفسیری کهن به پارسی، قرآن مترجم قدس که همگی از جنبه های مختلف زبان شناسی، تاریخ ترجمه قرآن، تاریخ زبان فارسی و غیره بسیار ارزنده است.

در همین ایام، حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی نیشابوری، معروف به شیخ جمال الدین ابوالفتح رازی، که نسبتش به نافع بن بدیل بن ورقاء الخزاعی از صحابه معروف حضرت رسول (ص) می رسد، نخستین ترجمه و تفسیر قرآن کریم را به زبان فارسی به مذاق

شیعه امامیه تألیف کرده، نام این تفسیر گرچه در مقدمه آن نیامده است اما بر اساس متون معتبر و کهن از جمله در فهرست منتجب الدین و در مناقب ابن شهر آشوب، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن است، اگر چه در همین ایام ابو علی فضل بن حسن طبرسی مفسر بزرگ شیعه، اثر سترگ خود مجمع البیان فی تفسیر القرآن را به زبان عربی تألیف کرده است، اما ابوالفتوح رازی بیشتر تحت تأثیر ترجمه تفسیر طبری و تفسیر سوراآبادی است و از بین این دو تفسیر مذکور، گویا به ترجمه تفسیر طبری بیشتر توجه داشته است، البته این عنایت در ترجمه آیات کاملاً آشکار است؛ شاید به همین دلیل است که تفاوت زبانی لهجه مرکزی ایران که ابوالفتوح هم به آن گویش سخن می گفته است در این تفسیر کم تر به چشم می خورد و اگر ترجمه آیات ابوالفتوح را با این دو تفسیر مقایسه کنیم بیشتر گویش خراسان بزرگ را در تفسیر ابوالفتوح مشاهده می کنیم. البته بعضی ویژگی های گویش ری که جزء گویش مرکزی ایران به حساب می آید در این تفسیر قابل رؤیت است. مثلاً ابدال «ب» های آغازی بای زینت، بای تأکید که در گویش مرکزی ایران به «ه» بدل می شود در این متن فراوان دیده می شود. برای مثال به تعدادی از این ابدال ها اشاره می شود و با ترجمه تفسیر طبری و تفسیر سوراآبادی مقایسه می کنیم:

ابوالفتوح: حلال نباشد شما را که هاگیرید از آنچه داده باشید زنان را چیزی. (بقره، ۲۲۹)

ترجمه طبری: نشاید شما را که ستانید آنچه بداده باشیدشان چیزی.

سوراآبادی: حلال نبود شما را که فراستانید آنچه بداده باشید آن را بدینشان چیزی.

ابوالفتوح: هاگرفتم از ایشان عهدی گران. (نساء، ۱۵۴)

ترجمه طبری: بگرفتم از ایشان پیمانی درست.

سوراآبادی: فراگرفتم از ایشان عهد و پیمان استوار.

ابوالفتوح: به درستی هاگرفت خدای پیمانی فرزندان یعقوب. (مائده، ۱۲)

ترجمه طبری: که بگرفت خدای پیمان فرزندان یعقوب.

سوراآبادی: و به درستی که فراگرفت خدای پیمان فرزندان یعقوب.

ابوالفتوح: پس هاگرفتم آن را به خود گرفتی اندک. (فرقان، ۴۶)

ترجمه طبری: پس اندر کشیدیم آن را سوی ما اندر کشیدنی آسان.

سوراآبادی: پس فراگیریم آن را واخود فراگرفتی آسان.

ابوالفتوح: و از آنان که گفتند: ما ترسایانیم هاگرفتم پیمانشان. (مائده، ۱۴)

ترجمه طبری: و از آن کس ها که گفتند: ما ایم ترسا ان بگرفتیم پیمان ایشان.  
 سورآبادی: و از آن کس هایی که گفتند ما ترسائیم فرا ستدیم عهد و پیمان ایشان.  
 ابوالفتوح: و هاگرفتن ایشان ربا را (نساء، ۱۶۱)

ترجمه طبری: و گرفتن ایشان ربا را.

سورآبادی: و به فرا شدن ایشان ربا را.

ابوالفتوح: تا مگیرید از او چیزی، هامگیرید به دروغ و بزه آشکارا. (نساء، ۲۰)  
 ترجمه طبری: مه ستانید از آن چیزی، که بستانید آن را بهتانی باشد و بزه ای هویدا.  
 سورآبادی: بازستانید از آن چیزی. ای فرا گیرید آن به ستم و بزه هویدا.

ابوالفتوح: و چگونه هاگیرید؟ برسیده باشد بهری شما به بهری، و هاگرفتند از شما پیمانی

ستبر. (نساء/ ۲۱)

ترجمه طبری: و چگونه گیرید آن را که گرد آمده باشید برخی از شما سوی برخی، و  
 بگرفته باشند از شما استواری درشت.

سورآبادی: و چگونه فرا گیرید آن، و به درستی که رسیده بود برخی از شما به برخی و فرا  
 گرفته باشند از شما عهد و پیمان استوار.

از دیگر ویژگی های زبانی تفسیر ابوالفتوح، که باعث تمایز آن از تفسیرهای حوزه خراسان  
 بزرگ می شود، فراوانی لغات عربی، در قسمت ترجمه آیات است. نگارنده با مقایسه بی که  
 بین سه تفسیر فارسی سورآبادی و ترجمه تفسیر طبری و روض الجنان انجام داده به این نتیجه  
 رسیده است که بسامد لغات عربی در روض الجنان به مراتب بیشتر از دو تفسیر دیگر است،  
 این امر البته به این دلیل است که گویش ری و حوزه مرکزی ایران بیش از حوزه گویش خراسان  
 بزرگ در معرض تأثیر پذیری از زبان عرب بوده است، دقیقاً این تمایز را می توان با اختلاف  
 سبکی بین سبک خراسانی و سبک عراقی در حوزه ادبیات فارسی مقایسه کرد در سبک عراقی  
 فراوانی لغات و اصطلاحات زبان عربی بسیار چشم گیرتر از سبک خراسانی است. به هر  
 حال، جهت تأیید این نظر مواردی از سه تفسیر روض الجنان، ترجمه تفسیر طبری و  
 سورآبادی را با هم مقایسه می کنیم این انتخاب بدون هیچ گزینشی صورت گرفته است. در  
 تمام این موارد ابوالفتوح از لغت عربی استفاده کرده است در حالی که در ترجمه تفسیر طبری  
 و سورآبادی واژه فارسی آمده است:

ابوالفتوح: طغیان مکنید در ترازو. (رحمان، ۸)

ترجمه تفسیر طبری: مه گردنکشی اندر ترازو  
سورآبادی: راست سنجید به داد.

ابوالفتوح: و دانه خداوند برگ و ریحان. (رحمان، ۱۲)

ترجمه تفسیر طبری: و بیافرید دانه میان برگ و شاه پسر م.  
سورآبادی: و آن دانه خداوند برگ و پسر غم.

ابوالفتوح: میان ایشان حایلی هست که بغی نکنند (رحمان، ۲۰)

ترجمه تفسیر طبری: که میان آن هر دو بندی است که نه ستم کنند بر یکدیگر.  
سورآبادی: میان آن دو حجابی که بر یکدیگر از حد در نگذرنند.

ابوالفتوح: بشناسند مجرمان به نشانشان. (رحمان، ۴۱)

ترجمه تفسیر طبری: بشناخته شوند گناه کاران به: شانهای ایشان.  
سورآبادی: بشناسند بدکاران را به نشان ایشان.

ابوالفتوح: به غایت سبز شده. (رحمان، ۶۴)

ترجمه تفسیر طبری: سبزی سبز.

سورآبادی: سبز چنانکه از سیرابی با سیاهی زند.

ابوالفتوح: و باشند اصنافی سه. (واقعه، ۷)

ترجمه تفسیر طبری: و بودند جفت های سه تن.

سورآبادی: و باشند سه گروه.

ویژگی زبانی دیگری که در تفسیر روض الجنان به چشم می خورد به کار بردن نوعی گرده برداری نحوی از زبان عربی در فارسی است، که این خصوصیت در تفسیرهای هم عصرش وجود ندارد و یا کم تر وجود دارد، این خصوصیت هم به دلیل نزدیکی ابوالفتوح رازی به حوزه عرب زبانها است. این گرده برداری نحوی با ترجمه تحت اللفظی متفاوت است. برای روشن شدن مطلب مواردی را از تفسیر ابوالفتوح نقل می کنیم و با تفسیر سورآبادی و ترجمه تفسیر طبری مقایسه می کنیم.

«فاصبحوا» سوره مائده، ۵۳ و ۵۲ و ۳۱ و ۳۰ و سوره هود، ۹۴ و ۶۷.

ابوالفتوح: در روز آمدند.

ترجمه تفسیر طبری: برگردیدند.

سورآبادی: گشتند

«بما كانوا يكسون» سورة انعام، ۱۲۹ و ۱۵۹ .  
ابوالفتوح: به آنچه بودند می کردند .

ترجمه تفسیر طبری: بدانچه بودند و می کردند .  
سورآبادی: بدانچه کرده باشند .

«ضربت عليهم الذلة» سورة آل عمران، ۱۱۲ .  
ابوالفتوح: زدند بر ایشان خواری .

ترجمه تفسیر طبری: زده آمد بر ایشان خواری .  
سورآبادی: پدید آوردند برایشان خواری .

«فيم أنت من ذكريها» سورة نازعات، ۴۳ .  
ابوالفتوح: درچه ای تو از یاد کردن آن .

ترجمه تفسیر طبری: به چه اندری تو از یاد کرد آن .  
سورآبادی: در چه چیزی تو از دانش آن .

«فذو دعاء عريض» سورة فصلت، آیه ۵۱ .  
ابوالفتوح: خداوند دعای پهن باشد .

ترجمه تفسیر طبری: خداوند خواندن بسیار .  
سورآبادی: خداوند خواندن باشد بسیار .

«و ما ملكت يمينك» سورة احزاب، آیه ۵۰ .  
ابوالفتوح: آنچه دارد دست راست تو .

ترجمه تفسیر طبری: آنچه پادشاه شد دست های تو .  
سورآبادی: آنچه زیر دست توست .

«وسع كل شيء علما» سورة طه، آیه ۹۸ .  
ابوالفتوح: فراخ شد هر چیزی را به دانش .

ترجمه تفسیر طبری: فراخ به همه چیزی رسیده است به دانش .  
سورآبادی: تمام فرا رسیده است همه چیز را به علم و دانش .

ویژگی های فراوان گویشی دیگر در تفسیر و ترجمه ابوالفتوح رازی می توان ذکر کرد که در این مجال تنگ نمی گنجد . برای اطلاع بیشتر می توان به قرآن کریم، با ترجمه ابوالفتوح رازی به کوشش نگارنده این سطور، مراجعه کرد .

۱. این ترجمه و تفسیر، هر چند به نام طبری شهرت یافته است اما ارتباط چندانی با تفسیر طبری ندارد و خود تألیفی مستقل است. ر. ک مقاله نگارنده تحت عنوان ترجمه تفسیر طبری، کهن ترین ترجمه قرآن به فارسی، در گلستان قرآن سال ششم، اردیبهشت ۸۲، شماره ۱۴۶.

#### منابع و مأخذ:

۱. روض الجنان و روح الجنان، مشهور به تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی، به کوشش و تصحیح محمد جعفر یاحقی - محمد مهدی ناصح، چاپ آستان قدس رضوی. ۱۳۶۵ - ۱۳۷۵.
۲. ترجمه تفسیر طبری، به تصحیح حبیب نعمانی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.
۳. ترجمه و قصه های قرآنی، مبتنی بر تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری به کوشش یحیی مهدوی - مهدی بیانی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
۴. قرآن کریم، با ترجمه ابوالفتوح رازی، به کوشش محمد مهیار، مطبوعات دینی، ۱۳۸۰.
۵. تفسیر سوراآبادی، ابوبکر عتیق نیشابوری، به تصحیح سعیدی سیرجانی، انتشارات فرهنگ نشر نو. ۱۳۸۱.
۶. فرهنگنامه قرآنی، محمد باقر یاحقی، آستان قدس رضوی، چاپ دوم ۱۳۷۷.